

درس دو معنی شعر فضل خدا

فضلِ خدای را، که تواند شمار کرد؟ *** یا کیست آن که شکر یکی از هزار کرد؟

چه کسی می تواند لطف و بخشش خدا را بشمارد یا چه کسی است که یکی از هزاران نعمت خداوند را شکر کرده باشد. (هیچکس قادر به شمارش لطف و نعمت خدا نیست.)

بحر آفرید و برّ و درختان و آدمی *** خورشید و ماه و آنجم و لیل و نهار کرد

خداوند دریا، خشکی، درختان، انسان، خورشید، ماه و ستاره‌ها و شب و روز را آفرید.

اجزای خاک مُرده، به تاثیر آفتاب *** بُستان میوه و چمن و لاله‌زار کرد

خداوند اجزای مرده خاک را با تاثیر نور آفتاب به بوستان و میوه و چمن و لاله‌زار تبدیل کرد.

ابر، آب داد بیخ درختان مرده را *** شاخ برهنه، پیرهن نوبهار کرد

به خواست خداوند، ابر به ریشه درختان مرده آب داد و بهار را به شاخه‌های خشکیده بخشید.
(بهار آمد)

توحیدگوی او، نه بنی آدم‌اند و بس *** هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد

فقط انسان‌ها ستایش کننده خداوند نیستند بلکه هر پرنده‌ای که روی شاخه‌های بزرگ آواز می خواند در حال مدح و ستایش خداوند است.

معنی لغات شعر فضل خدا:

فضل: بخشش

بحر: دریا

برّ: خشکی

أنجُم: ستارگان

لیل: شب

نهار: روز

بیخ: ریشه

پادشاه سخن، سعدی، شعر فضل خدا را در مدح و ستایش پروردگار یگانه سروده است. در این شعر به زیبایی مثال‌هایی از فضل بیکران خدا آورده شده است که ما باید برای داشتن این نعمت‌ها شاکر باشیم.

درست و نادرست

۱- درست

۲- درست

۳- نادرست

درک مطلب

۱- فصل های زمستان و بهار

۲- خدایی که دریا و خشکی و درختان و انسان را آفرید و خورشید و ماه و ستارگان و همچنین شب و روز را بر پا کرد

۳- شباهت: هر دو از لوازم اصلی زندگی و حیات هستند. هر دو برای ادامه بقای موجودات زنده ضروری هستند و به رشد و نمو گیاهان و سایر موجودات زنده کمک می کنند.
تفاوت: آفتاب (خورشید) یک ستاره بسیار بزرگ و سوزان است. اما ابر مجموعه ای از بخار آب است. ابرها حرکت می کنند اما آفتاب ساکن است

دانش زبانی

خیر یکسان نیست. شعر فضل، یک قصیده است یعنی قافیه ی بیت اول با مصرع های دوم سایر بیت ها یکسان است. اما شعر ستایش نظامی گنجوی، یک مثنوی محسوب می شود چون هر بیت آن داری قافیه ی جداگانه است.
بنابراین در شعر ستایش هر بیت یک آهنگ و لحن دارد اما در شعر فضل خدا لحن و آهنگ بیت اول مثل لحن و آهنگ تمام مصرع های زوج است.

درک و دریافت راز گل سرخ

آن پروانه بسیار زیبا بود. بال های خوش نقش و نگاری داشت. بعضی از پروانه ها به زیبایی بال های او حسرت می خوردند. این پروانه زیبا اما بسیار مغرور و خودپسند بود. خیر نمی پسندیم. زیرا این پروانه بی جهت مغرور بود و فراموش کرده بود که زیبایی اش را خداوند به او هدیه کرده است و این زیبایی نباید باعث احساس برتری بر دیگران شود

۲- زیرا متوجه شد که زیبایی خدادادی او دلیلی برای خود برتر بینی و غرور و خود پرستی نیست و نباید ابزاری برای فخر فروشی به دیگران باشد

۳-

گلبرگ‌ها، برگ‌ها، ساقه، ریشه، زمین و خورشید درخشان که هر کدام با نظم و ترتیب وظیفه خود در جهان آفرینش را اجرا می‌کردند

حکایت

عقلش به چشمش است.

از آنجایی که مرد قبل از اینکه خوب فکر کند و از عقلش استفاده کند، قضاوت اشتباه کرد پس جواب این سوال *عقلش به چشمش است* می باشد.

دستور زبان

مفعول : به کسی یا چیزی گفته می شود که کار روی آن انجام می شود . یعنی پذیرنده کار است . مفعول در جواب « چه کسی را » و « چه چیزی را » می آید . نشانه مفعول « را » است .

فاعل : به کسی یا چیزی گفته می شود که کننده کار است کسی که کاری از او سر زده است . در جواب « چه کسی » یا « چه چیزی » می آید .

صفت : کلمه ای است که درباره ویژگی های موصوف خود از قبیل کیفیت ، کمیت ، اندازه ، نوع ، رنگ ، بو و... توضیح می دهد . اسمی که با صفت می آید موصوف نام دارد .

موصوف : یعنی وصف شده.